

# کنگره

## شعر گفتار

### پایان عصرِ شعرِ تکنوپاستورال را جشن گرفته است

اول بار که سید علی صالحی را دیدم پنداش اتفاقی هم نبود. نقدی نوشته بودم بر کتابی «ازه، متنشر شده و آدرس نشریه دنیای سخن را پیدا کرده بودم و راه ازناهه بودم به طرف آنجا، ملا قائم با سید علی صالحی در دفتر نشریه حدود پیک دفیقه و یست و پنج تایله، قلول کشید، او مرد مؤدب و مهربانی بود.

-سلام

-سلام

«آقای صالحی، این نقد کتاب را آورده‌ام که در صورت امکان در نشریه چاپ شود، خداحافظ از سروش آن نقد اطلاعی در دست ندارم. اما صادقانه بگویم آنچه مرا متحیر ساخت، ظاهر تنومند و تبدیل است. شاعر بود. گمان می‌کردم شاعر «بیقرار»، می‌خواهم بپامن، باید جور دیگری باشد. از خود می‌پرسید منگ شاعران باید. آنم‌های نحیف و رنج کشیده، و احیاناً دارای زخم مده‌ای باشند؟ یا مثل مارگریت دوران از فرش خوردن فرصن‌های ضد اضطراب پندهای ماه به اغبای فرو روند؟...»

حالا پس از گذشت سال‌ها پنجه‌ایم تدبیل یافته و سید علی صالحی هم اندکی قامت خم کرده و رنگ سبیدی به سرو موی نشاند... معصومه یات

منظورتان این است که با اهل قلم در امریکا - همین سال پیش - فروغ

معاصر خود همدل است، یا نه؟ را شاعری بزرگ می‌خوانند، یا

اگر منظور این... بوده، حتماً شعر شاملو در سوئد با استقبال

پاسخی نسبی خواهد بیند. با اهل سوییه رویه رو می‌شود، و یا وزیر و

قلم آزاداندیش و مستقل، یکی سروزیری، کتاب دریشا ملاعمر را

هست، یکی، مرگ مختاری فیزانم با اتفاچ در دست می‌گیرد تا از او

کرده، و به زندان رفتن ناصر عکس بگیرند، و در شوئند هم در

زرافشان، ته مانده آسودگی ام را از

دست ترجمه است، این یعنی من گرفت، همه ما یک نفر هستیم،

نشانه ای این قرارم، می‌خواهم بروم، می‌خواهم بپامن» بالآخر چه

نظام حکمت.

یک پار و عده داده بودید که

دهه هفتاد دهه غربال و تشخیص

است و تجربه سفر شعر ایران به

فرامزه‌ها، به گمان این اتفاق

نیفتاد. نظر چنان‌عالی چیست؟

من چه کسی هستم که و عده

بدهم؟ پیش‌بینی کردم که دمه

هفتاده دمه غربال و تشخیص

است، و دمه مشتاده... چهره‌های

اژگزار، ثبتی می‌شوند و آرام

آرام... چهان با شعر پیشرو ما

بیشتر آشنا خواهد شد. هنوز هم بر

همین پارم. نگاه کنید، علام آن

ملتوم است. خاموشی و اطفاء

زیاله سرایی با غنایمن دهان پرکنی

مثل شعر پست مدرن، زبان پریشی،

چرت و پرت گویی‌های معصومانه

خوش بینم، بله! چون هنوز

عدالت در راه است و مامی کوشیم



از دست شعر هیچ کاری ساخته نیست، چون خودش آخرین کار در این جهان است. یک توأم مطالعه سنتی (جسم و سکان و دیدار) که نهاد است. در سلسله آنها نیز مطالعه سنتی است. یک توأم با شعری این کلمه، و سرودن، نوعی فرجه توأم با شوخی است. فرجه توأم با خودش می‌باشد. شنیدار از لیک اخلاقه با یک C.C کافی است به بازار بیاید، خلاقیت و شعر اتفاقی متعلق به آن سوی مرگ و زندگی. دست مردم نیفتد، اگر کار شایسته باشد. در هر متزی بک این، من تعجب هی کنم از کسی که جهان بعد از این مرگ چاپخانه (صفحت صوت) وجود دارد، مردم خودشان از مارا نیز خلاقیت را تجربه کرده است. جستونه باز است توزیع می‌کنند. هزا من دیگران؟

گمان کنم این نهایت بدسلیقی یاشد برای آغاز یک گفت و گو، اما گاهی برایتان پیش آمده که از شعری که سروده اید احساس پیزای کنید؟

آنفاقا پرسش عجیب است، این که رسوم معارف را در یک مصاحبه شکسته اید، و ناگهان به یک مساله خصوصی پرداخته اید، همین خوب است. ولی این کلمه، این صفت، این واکنش... یعنی بی‌زاری، آزاردهنده است. تا آنجا که به خاطر دارم، از همان دروان کودکی با حسن‌ها و احوال و خصایلی مثل «قرفه» و «بی‌زاری» آشنا نیوده‌ام. شاید نواعی کامست و شخص وجودی باشد. اما هرگز در زندگی، انقدر در خواب لخته فرد نرفتند که بیزاری و نفرت را تجربه کنم، اساساً در این جهان چیزی به صورت خود به خود وجود ندارد که نفرت برانگیز باشد، بی‌زاری شکلی ریشه‌ای نیست، معلول است، به گمان با فرار به سوی عشق و پخشندگی، پشود از بیماری بی‌زاری گریخت، من با همین روحیه یارها با مرگ خود گفت و گو کرده‌ام و از افزایش پیشتری گرفته‌ام.

ایا اگر در زندگی رنج‌ها و اضطراب‌های غیر قابل درمانی

در این جهان کشیده باش را به

مُردم، خردجمعی و نقش آن «جمله» و موضوع دامیدواری

جزان‌ها! اگر می‌شد امیدواری را

می‌کند و دور می‌ریزد.

با یک جمله تزريق کرد و به غسل

شادمانی رسید، تا الان هر شب

مرزها و معرفتی خود به جوامع

می‌شد خفت و صبح دست به

انقلاب زد.

شدت خستگی، وظیفه‌اش را به عهده موکل خود و امن گذارد. هیچ وقیعی به تحییب یا تهدیدهای

همین جاست که موکل باید سریه بیرونی نمی‌گذارد. کار خودش را

سر مرگ بگذارد، گامی اوقات می‌کند.

من شود با مرگ هم معامله‌ای پدرم شاعری غریزی و توانا

شاعرانه کرد خلاقیت، نوشتن و بود، تنها یک مثنوی حمامی از

خود به جا گذاشت، من در مکتب دیگر، راهی یکشنبه نیست. وقتی که

او به شعر رسید، اتفاقی متعلق به آن سوی مرگ تو

اما مادرم که زندگی است، من تعجب می‌کنم از

کسی که جهان بعد از مرگ پعنی خلاقیت را تجربه کرد ایست.

نمی‌دانست، گاه چگونه، با پست خودش تبلیم نخواهد ملا، شعر

کشیده ای کشیده نمی‌شود.

پدر و مادر شما چه نظری

دوباره شعرتان داشته‌اند؟ اصولاً بخورد آدم‌های غریبه با شعرتان

برای شما مطبوع تر است یا آیا با دیگر شاعران و

نویسنده‌گان جهان اصل و هرگز همچیز می‌لی به

احساس نوعی غریبی داریم به نام مرگ که می‌آید

و به هر دو معنای پایان می‌دهد. در این جهان، کسی خودکشی

نمی‌کند، نه هدایت، نه غراله، نه شرطی و تقتضی فردی مابعطل نظر

دیگران می‌شود که شعر هم چشم فکر می‌کنم





اکثر قریب به اتفاق  
دفترهای شعر شما تجدید چاپ  
شده است، چاپ پنجم «دیر  
آمدی ری را» هم در راه است.  
ایکار تازه‌ای پیش رو دارد؟  
نه، و دارم با خودم کنار  
می‌آیم که تا سال ۱۳۸۴  
خوشیدی، اگر زنده بودم، دفتر  
تازه‌ای چاپ نکنم.

چرا؟!  
یک حس غیرقابل تعریف  
است.

یعنی تا آغاز پنجاه سالگی؟  
بله!

مطبوعات را هم ترک  
می‌کید؟ مصاحبه، خبر، شعر.  
خیر اما با سوساس بیشتر  
می‌خواهد به حاشیه پایید  
تا سفر، شعر گفتار و جریان ملی  
آن را بهتر دنیا کید؟

یکی از دلایل است.  
شنبه‌ایم شعرهای دوره  
جوانی شما را دوستانی پیدا و  
جمع آوری کرده‌اند و امسال  
متشر خواهد شد، عنوانش را  
چه گذاشتند؟

لطف ناشر و دوستان دیگر  
بوده است، امسال با عنوان «از  
آوازهای کولیان اموازی» منتشر  
خواهد شد.

همان شعرهایی که متجر به  
بردن جایزه فروغ شد؟ از چه  
سالی تا کدام مقطع؟  
بله، شعرهای متعلق به  
سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷

خورشیدی است.  
کتاب «شعر در هر  
شایطی» کی متشر می‌شود؟  
آیا می‌توان از آن به عنوان  
مایه‌ست جنبش شعر گفتار یاد  
کرد؟

حتماً، گزینه گفت و گوهای  
من راجع به شعر گفتار است، که  
حروف چینی آن آغاز شده است.  
از وقت و حوصله شما  
سپاسگزارم.

صالحی: لطف عالی زیادا

از زبان می‌کنید؟  
کمتر رسانه یا  
نشریه جدی و  
ویژه ادبیات، سراغ  
دارم حیف که آدینه  
رفت و دنیا سخن بازیماد...

برای پیشرفت کار چونان چه  
پیشنهادی ارائه می‌دهید؟

از میان شاعران معاصر، کار  
کاست شعر، سهل تر و مؤثرتر  
است. در مردم تحول در کلام هم،  
من چه صلاحیت سخن داشته  
ایقاضاوت من و یا هر کسی -

باشم و چه نداشته باشم. نایندگان  
بر جسته این نسل، پرماید و توانا  
ظهور کرده‌اند و به راهکارهای  
دوست خودشان هم نیازی ندارند.

اگر شما به عنوان ریاست  
جمهور برگزیده شوید، چه  
کارهای خواهید کرد؟

چه ربطی دارد پا من؟ از زرده  
خطاط نشود، سوال کم اورده اید،  
شایطی می‌تواند حیات شمر را  
خطاطهای گودکانه بربایان نقل  
تهدید کند؟

شعر و راه نیمای بزرگ هم  
جنبش بود که موج‌های عدیده و  
سه بار در امتحانات نیروهای  
نظامی (ها) نیروز شرکت کرد،  
هر سه بار در مرحله تحقیق، مردود

اعلام شدم. در آن دوره راه نجات  
ستمیدگان را در فعالیت‌های  
سیاسی و در حوزه پرخوردهای  
اجتماعی یا گشنهای چریکی

جست و جو نمی‌کردم، در سیزده  
سالگی باور نداشت که انقلابی در  
راه است، شب‌ها در خلوت خود،  
نهاده این فکر کمی کردم، کوتاهه  
نقشی در کارکرد شعر دارند؟

از سرچیم سلایق فردی به  
اراده اجتماعی می‌رسیم، یعنی آن

خاطره و  
پادشاه  
همواره با  
ماست،  
دریا را

نمی‌توان به مزار سپرده، چه رسید به  
سنگ و سخن ا-

کدام یک را می‌پسندید؟ شعر  
کدام شاعر و یا شاعران ماندگار  
خواهد شد؟

ایقاضاوت باشد و چه نیاشد، این  
به ویژه در برابر چنین پرمیشی - می-  
بر جسته این نسل، پرماید و توانا  
ظهور کرده‌اند و به راهکارهای  
دوست خودشان هم نیازی ندارند.

اگر شما به عنوان ریاست  
جمهور برگزیده شوید، چه  
زهر این نوع داوری نخست خود

چه ربطی دارد پا من؟ از زرده  
خطاط نشود، سوال کم اورده اید،  
شایطی می‌تواند حیات شمر را  
خطاطهای گودکانه بربایان نقل  
تهدید کند؟

شعر و راه نیمای بزرگ هم  
جنبش بود که موج‌های عدیده و  
سه بار در امتحانات نیروهای  
نظامی (ها) نیروز شرکت کرد،  
هر سه بار در مرحله تحقیق، مردود

اعلام شدم. در آن دوره راه نجات  
ستمیدگان را در فعالیت‌های  
سیاسی و در حوزه پرخوردهای  
اجتماعی یا گشنهای چریکی

جست و جو نمی‌کردم، در سیزده  
سالگی باور نداشت که انقلابی در  
راه است، شب‌ها در خلوت خود،  
نهاده این فکر کمی کردم، کوتاهه  
نقشی در کارکرد شعر دارند؟

از سرچیم سلایق فردی به  
اراده اجتماعی می‌رسیم، یعنی آن

از شما گرفته‌اند. شما دلیل آن را  
چه می‌دانید و نتیجه را چطور  
همواره با  
ماست،  
دریا را

نمی‌توان به مزار سپرده، چه رسید به  
سنگ و سخن ا-

کدام یک را می‌پسندید؟ شعر  
کدام شاعر و یا شاعران ماندگار  
خواهد شد؟

ایقاضاوت باشد و چه نیاشد، این  
به ویژه در برابر چنین پرمیشی - می-  
بر جسته این نسل، پرماید و توانا  
ظهور کرده‌اند و به راهکارهای  
دوست خودشان هم نیازی ندارند.

اگر شما به عنوان ریاست  
جمهور برگزیده شوید، چه  
زهر این نوع داوری نخست خود

از شما گرفته‌اند. شما دلیل آن را  
چه می‌دانید و نتیجه را چطور  
همواره با  
ماست،  
دریا را

نمی‌توان به مزار سپرده، چه رسید به  
سنگ و سخن ا-

کدام یک را می‌پسندید؟ شعر  
کدام شاعر و یا شاعران ماندگار  
خواهد شد؟

ایقاضاوت باشد و چه نیاشد، این  
به ویژه در برابر چنین پرمیشی - می-  
بر جسته این نسل، پرماید و توانا  
ظهور کرده‌اند و به راهکارهای  
دوست خودشان هم نیازی ندارند.

اگر شما به عنوان ریاست  
جمهور برگزیده شوید، چه  
زهر این نوع داوری نخست خود

از شما گرفته‌اند. شما دلیل آن را  
چه می‌دانید و نتیجه را چطور  
همواره با  
ماست،  
دریا را

نمی‌توان به مزار سپرده، چه رسید به  
سنگ و سخن ا-

کدام یک را می‌پسندید؟ شعر  
کدام شاعر و یا شاعران ماندگار  
خواهد شد؟

ایقاضاوت باشد و چه نیاشد، این  
به ویژه در برابر چنین پرمیشی - می-  
بر جسته این نسل، پرماید و توانا  
ظهور کرده‌اند و به راهکارهای  
دوست خودشان هم نیازی ندارند.

اگر شما به عنوان ریاست  
جمهور برگزیده شوید، چه  
زهر این نوع داوری نخست خود

از شما گرفته‌اند. شما دلیل آن را  
چه می‌دانید و نتیجه را چطور  
همواره با  
ماست،  
دریا را

نمی‌توان به مزار سپرده، چه رسید به  
سنگ و سخن ا-

کدام یک را می‌پسندید؟ شعر  
کدام شاعر و یا شاعران ماندگار  
خواهد شد؟

ایقاضاوت باشد و چه نیاشد، این  
به ویژه در برابر چنین پرمیشی - می-  
بر جسته این نسل، پرماید و توانا  
ظهور کرده‌اند و به راهکارهای  
دوست خودشان هم نیازی ندارند.

اگر شما به عنوان ریاست  
جمهور برگزیده شوید، چه  
زهر این نوع داوری نخست خود

تقریباً چهل سال است که در  
این میهن مظلوم هر روز می‌شون  
که آقا... جوانان را در کنیما  
آینده سازان را بسازیم ا حرکت،  
انگیزه، شور، کار، ازدواج،  
دانشگاه، همو...! کو آن اراده  
قری؟! با یک جمله؟! همان  
حروف مادرم خیلی حکیمانه بود  
«شعر... نان نمی‌شود» یک جمله  
که پیشکش!

درباره تجربه شعر خوانی و  
دیلمه خسرو شکیبایی که  
شعرهای شما را خواند و آن  
همکاری و همراهی، که در

مقطعی «خاص» سکوت را  
شکستید، توضیح می‌دهید؟  
توضیح من به کار چه کسی  
می‌آید؟ اوایل ده هفتاد تشخیص  
دادم که آن بایدین کار را کرد. راه  
را باز کردیم و قطار حرکت کرد.  
همین!

برآن نیستید که آن تجربه  
موفق را تکرار کنید یا چنین  
توصیه‌ای برای سایر شاعران  
ندازید؟

بارها در مصاحبه ها و  
سخنرانی هایم گفته‌ام، همان اوایل  
ده هفتادم پیش بینی کردم که  
روزگار مطالعه سنتی (چشم و  
کتاب و دیدار) کهنه و در گذشته  
است. یک نوار آرکائیک دهان  
(گوش و متن و شنیدار) در یک  
حلقه، یا یک C.D کافی است به  
بازار بیاید، دست مردم یافتد، اگر  
کارشایست پاشد، در هر متزلی یک  
چاپخانه (ضبط صوت) وجود  
دارد، مردم خودشان اثر مارا توزیع  
می‌کنند، پرآمدت دیگران؟

از این که شعرهای شما تا این  
حد میان مردم رواج دارد چه  
احساسی دارید؟ حتی گاهی  
شعرهایتان را در دستورهای  
مردم عادی یا حس شده روی آثار  
دیگران دیده اید؛

هیچ چیز برای یک شاعر بدتر  
از این نیست که در شعر خود به  
جهت اشتراک پیش از شاعران

جهت اشتراک ماهنامه ادبی پروین برای  
اشتراک شش شماره مبلغ ۱۲۵۰ تومان و برای  
اشتراک دوازده شماره مبلغ ۲۵۰۰ تومان را که با  
احتساب هزینه پست می‌باشد به شماره حساب پس  
انداز ۷۰۸۰۴۷۷۰۱۹۹۹ تهران خیابان.

پیروزی- خیابان کریم‌شاہیان (همایوتو شهر) به نام  
حمدید نعمت الله واریز نموده و اصل فیش بانکی راهنمایی  
پشت خود به شناسی تهران سندرن پست ۱۷۸۵۹۷۷

صوتی پستی ۱۷۱۵۰/۹۱۷ ارسال فرماید.  
مبلغ اشتراک برای مشترکین خارج از کشور  
برای شش شماره مبلغ ۶۸۰۰ تومان و برای دوازده شماره  
۱۲۵۰ تومان می‌باشد.

## اشتراک

خوانندگان که تمایل به دریافت شماره‌های گلشن ماهنامه  
بروین دارند، برای دریافت هر شماره مبلغ ۲۰۰ تومان به شماره حساب  
پیش انداز ۷۰۸۰۴۷۷۰۱۹۹۹ تهران (خیابان پیروزی-  
خیابان کریم‌شاہیان) واریز نموده و اصل فیش بانکی راهنمایی  
پشت خود به شناسی تهران سندرن پست ۱۷۸۵۹۷۷ ارسال نمایند.

# پروین

نام ..... نام خانوادگی ..... مبلغ قابل پرداخت .....  
ریال طی فیش شماره ..... تاریخ ..... اشتراک از شماره .....  
کدپستی ..... نلفن ..... نشانی ..... نشانی .....

## افتشارات فگیما

معرف شاعران و نویسندهای جوان  
در خدمت اهل قلم و کتابخوان  
تهران ص- پ ۱۴۵۱۵/۱۴۱۲  
تلفن: ۴۰۸۳۷۶۷

## NEGIMA